



جناب بشیر احمد (شیر)
تقریر شما را در پست ریاست مالی
اداری وزارت اطلاعات و کلتور که به
پیشنهاد وزارت و فرمان ریاست
جمهوری انجام یافته برای تان تبریک
می گوئیم

قیمت ۱۰ افغانی

سال چهارم شماره چهارم سه شنبه ۲۵ حمل ۱۳۸۸

سیاسی - اقتصادی - فرهنگی - اجتماعی و طنزی

گپ اول

تبلیغات پیش از وقت ؟!

هنوز مشخص نیست که چه کسانی مورد تایید کمیسیون انتخابات قرار می گیرند ، بیشتر از یکصد و پنجاه افغان خود را کاندید کرده اند و هر شب خواب ریاست جمهوری می بینند ؟!

اما ما و حتی خود کاندید ها نمی دانند که می توانند در لیست نامزدی ریاست جمهوری قرار گیرند یا نه ؟! این درحالی است که کاندید های که بیشتر از همه خود را شایسته می دانند ، جواب مردم و پرسش های ملت را نداده اند .

یکی میلیون ها دالر را در طول چندین ماه به شرکت واریز کرده بود و تا حالا سارنوالی از ایشان هیچ تحقیقی نکرده است و اگر ایشان یک مامور فقیر می بود ، حتمی برایش دوسیه می شد و از همه مهمتر اینکه آیا کمیسیون مستقل انتخابات صحت و سلامت جسمی و عقلی هر کاندید را در نظر می گیرد یا نه ؟!

یک تن از کاندید ها اعلان کرده است که میلیون ها دالرسرمایه دارد ، درحالیکه ارث و میراث پدری ایشان در آن اندازه نبوده است که بتواند از میان خون و آتش این همه سرمایه را کمایی کند ؟!

یکی با جنجال تبلیغاتی تمام لیست مافیایی را در دست دارد ، در حالیکه این لیست برای مطبوعات ، وزارت داخله و از همه مهمتر مردم این لیست خیلی ارزش دارد و باید قبل از انتخابات این لیست افشا شود ؟!

یکی متهم به ملیت گرایی است و هنوز هم ملی فکر نمی کند ، بلکه دیدگاه یک قوم را دارد ، درحالیکه قوم گرایی هم در اسلام ممنوع است و هم مردم با آمدن ایشان جنگ های قومی شعله ور خواهد شد ؟!

یکی امتحان داده است و مردم دیگر از کسانی که دیروز تجارت خون مردم را کردند و این کشور را به این و آن سپردند خسته شده است ؟!

جالب ترین گپی که یکی از رهبران احزاب به نشریه گفت اینکه آیا کاندید های که در این مدت چاق و چله شده اند ، رگ و ریشه قومی و مردمی دارند و میدانند که مردم امروز مردم دیروز نیستند ؟!

بهر صورت این کمیسیون انتخابات است که باید از ایشان بپرسند چرا پول های وزارت مالیه به انجو رفت و یا فلانی میلیون ها دالر سرمایه از کجا کرد و یا فلان شخص یک ماه قبل در دفتر کارش در آمریکا با تابعیت آمریکایی کار می کرد و این فرد دوزیست و یا ذوالحیاتین مورد قبول ما قرار می گیرد یا نه ؟!

اما بحث اصلی ما روی تبلیغات قبل از وقت است که هنوز هیچ چیز معلوم نیست ، سفرهای تهران ، دوی ، آمریکا و ... آغاز یافته و هر کدام پیش بادر خود می رود و یا در سفارت خانه ها تشریف می برند ؟!

بگذارید موضوع معلوم شود و شما در لیست نامزدان ریاست جمهوری نام تان نوشته شود ، بعد از آن تبلیغات خود را شروع کنید و به همه مردم بگویید که کی هستید و کجا می روید و چه می خواهید به این مردم بدبخت و جنگ دیده بکنید ؟! حالا وقت آن است که یک بار با خود فکر کنید که آیا شما کسی هستید که مردم به شما رای دهد و یا اینکه چهره ها را مردم می شناسند یا نه ؟

پس اول به صنف شامل شوید و بعد کتابچه و قلم بخرید ، قبل از اینکه نام شما در حاضری ثبت نشود ، خرید کتابچه و قلم و کتاب کار شایسته نیست ، مردم می خواهند اول پرسشنامه ترتیب گردد و کارکردهای و سرمایه ها حساب شود و بعدا کاندید ها مورد قبول قرار گیرد .



شکست آمریکا توسط دختران افغان

انسان و کرامت انسانی از دیدگاه ایران و گل آقا

تابلوی خونین غزه در آئینه



وزارت خارجه حق

ندارد به لوی سارنوالی

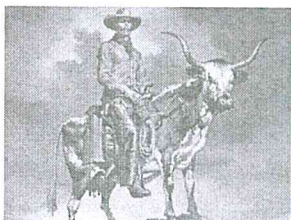
و امنیت از خبرنگار

شکایت کند ؟!

هالیوود می تواند با ترافیت

خاص سیاست و فرهنگ را داخل

خون ما کند ؟!

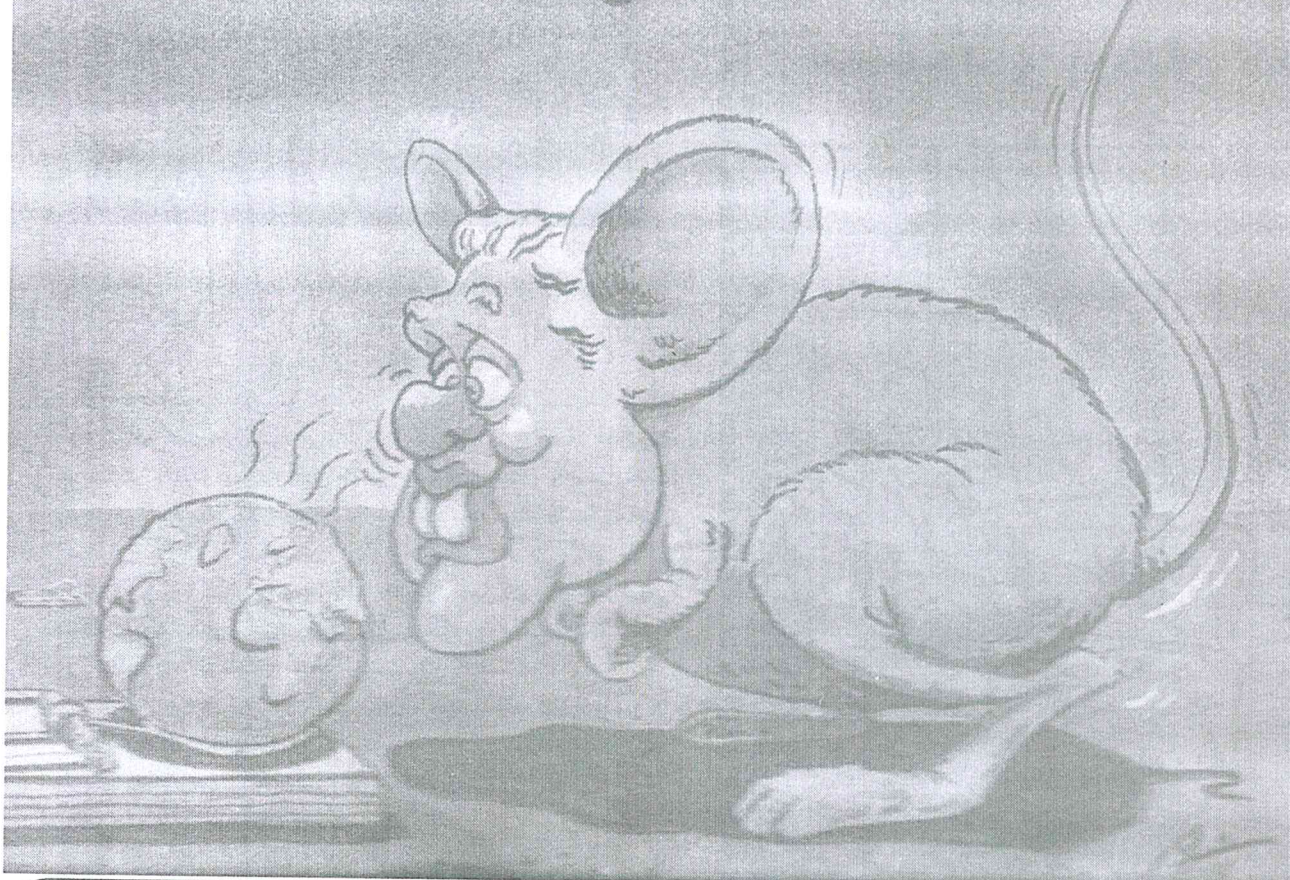


برهان الدین ربانی و وحدت

مجاهدین در انتخابات

ریاست جمهوری

۱۲۵ تله موشن در کاخ سفید کار گذاشته شده - کیهان



توهین به عرفات و

اعراب مجله گل آقا

تهران



لنگه این ماشین را به سادات هم داده بودند!



هالیوود می تواند با ظرافت خاص سیاست

و فرهنگ را داخل خون ما کند؟!

گفتگو با انجینیر لطیف

که سینما می تواند روی همه ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و امنیت کشور و روحیه دادن مردم افغانستان تاثیر گذار باشد، همانطور که کشورهای قدرتمند اتکای خود را بر سینما گذاشته اند. من امیدوارم یا سینما و افغان فلم از طرف وزارت مالیه تمویل شوند و یا

آرژودارم افغان فلم بتواند تولید خود را برخواست تمام ملت افغانستان استوار نماید و هویت ملی کشور خویش را به جهانیان از طریق همین سینما به نمایش گذاریم. از مشکلات پرسیدم: ایشان گفتند: هیچ امکاناتی در دسترس ما قرار



اینکه با اشتراک یکی دو شرکت و دولت ما بتوانیم به خواسته های مردم خود جواب مثبت دهیم...

نگرفته و همین امروز وعده ملاقات ریاست جمهوری را گرفتیم و امیدوارم بخش فرهنگی ریاست جمهوری متوجه این قضیه شوند

سینما یگانه وسیله ای است که سیاستمداران جهان با اتکا به آن نفوذ شدیدی به سیاست، فرهنگ، اقتصاد و تسخیر ملت های دیگر می کنند و جالب تر اینکه با این وسیله می توانند فرهنگ و سیاست خویش را در قلب کودکان، جوانان تمام اقشار تزییق می نمایند.

برتری نظامی - جنگ ستاره گان - سربازان نیرومند و سازمان اطلاعات و امنیت قوی همه و همه برای ضعیف کردن مورال کشورهای عقب مانده بکار می رود. جمیز باند انگلیس و رامبو هالیوود هر دو سیاست های کشور خویش را در قالب نظامی گری - جاسوسی و برتری فکری و تکنالوژی خویش را بر بخش کشورهای می کشند تا ما بسوی مسیر انتخاب شده در حرکت شویم.

اما در کشور ما راه صد ساله را در چهار روز دموکراسی پیمودند، بدون هدف به آخرین منزل ابتذال رسیدند.

گرچه تعداد زیادی از فلم سازان ریالستی و سینمای خوب ما توانسته اند در بالاترین سطح جهان در سکوی بالای قهرمانی قرار گیرند. در این ارتباط گفتگوی ترتیب دادیم با انجینیر لطیف رییس افغان فلم کشور و سئوالاتی نمودیم تا بنگریم ما در کدام قسمت هنر هفتم قرار داریم و کجا می رویم؟!

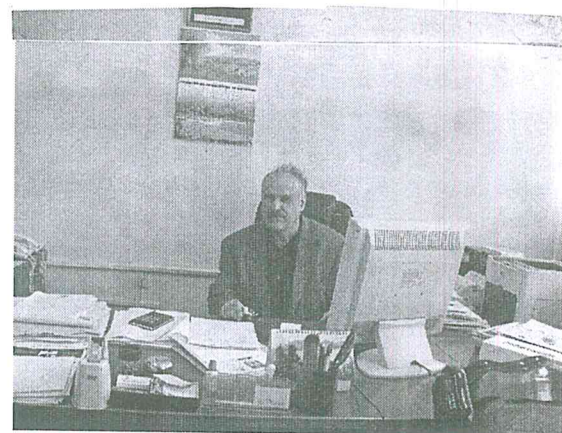
ابتدا از ایشان پرسیده شد که از گذشته ها بگویند؟! ایشان در این زمینه گفتند که چهل سال قبل ما شروع بکار جدی کردیم و خوشبختانه آرشیف خوبی داریم از فلم های ساخته شده ولی متأسفانه با تبدیلی چهره دولت در طول هفت سال کار قابل ملاحظه ای صورت نگرفته است و ما در این مدت در نقطه صفری قرار داریم؟!

از ایشان پرسیده شد تا در مورد نقش فلم و سینما صحبت کنند؟! ایشان گفتند سینما تاثیر گذاری شدیدی در زنده گی بشری دارد، سینما آگاهی می دهد و مسیر تعیین می کند و نقش بارزی در امنیت و آزادی و بیداری ملت دارد، اگر شما به سینمای هالیوود داشته باشیم و سرمایه گذاری سیاستمداران آمریکا را در این راستا ببینیم بخوبی آگاه میشویم که نقش سینما در همه ابعاد سیاسی - اقتصادی - فرهنگی و اجتماعی بی نهایت تعیین کننده است.

هالیوود با ظرافت خاص نفوذ می کند و غرب با این وسیله قابل قبول که می تواند در هر خانه نفوذ کند به اهداف خود دست می یابد.

حتی در سینمای اطفال تفنگ و بازیچه توپ و طیاره و موشک وارد ذهن اطفال می شوند و میسر هدایت کننده برای آنها در نظر گرفته می شود.

از ایشان در مورد سینمای آزاد کشور ما پرسیده شد؟! ایشان گفتند: آزادی بیان جنبه های مثبت و منفی دارد و هنوز مردم ما در حدی نرسیده اند که جنبه های مثبت آنرا بیشتر مورد توجه قرار دهند در قسمت صنعت



هنر هفتم نیز ما بخاطر قوانین وضع شده نمی توانیم جلو نکات منفی را بگیریم و اگر اقدامی صورت می گیرد، تعبیر تفتیش عقاید می شود و به همین دلیل است که سینمای ما در مدت کم به ابتذال رفت؟!

اما در قسمت افراد رسالتمند و فلم سازان ریالستی و سینمای مستند و... باید گفت که هم فلم و هم رسالت این ملت حفظ شده است و ما چندین فلم کوتاه و بلند داریم که در فیستوال های جهانی موفق گردیده اند و در جشن واره ها مقام آورده اند، اما سینمای بالیوود نتوانسته است مورد علاقه جشنواره ها قرار گیرد؟!

ایشان در مورد سینمای ریالستی گفت حدود ۳۰ درصد فلم های ما ریالستی است اما در فلم های ریالستی لذت و جوش و خروش و احساسات کمتر است و با تکنیک ساده با محتوای خوبی ارائه می شود؟!

اما سینمای ابتذال پیشرفت بسیار زیادی کرده است و هر کسی بی سوادى توانسته است با گرفتن کمره دیجیتالی فلمی بسازد بدون اینکه به بینش و دانش پایبند باشند و حرفی برای گفتن داشته باشند؟!

وقتی از ایشان در مورد کاپی رایت پرسیده شد؟! ایشان گفتند: کاپی رایت فقط در کشورهای بسیار پیشرفته تا اندازه ای موفق بوده است ولی در کشورهای عقب مانده دولت ها توانایی جلوگیری آنرا ندارند، اما در کشور ما قوانین وجود دارد، گرچه ما نمی توانیم در حریم های خصوصی مردم داخل شویم و اگر یک فلم کاپی شود، آنها را دستگیر کنیم، اما اگر ثابت شود که تعدادی فلم ها به تولید انبوه رسیده است و شکایت کنند و مجرم موجود باشد قوانین می تواند به جرم کاپی آنها را دستگیر نماید و بخاطر سرقت شان آنها را مورد مواخذه قرار دهد.

از ایشان خواستیم که پیغام خویش را برای خواننده گان بگویند؟! ایشان گفتند: فقط آرامش برای تمام انسان های روی زمین می خواهیم، آرژودارم که انسان دیگر دچار مشکل نشود.

نشریه گل آقا و توهین به احمد شاه

مسعود و برهان الدین ربانی و حکمتیار

در حاشیه جنگهای شدید داخلی افغانستان و هجوم مهاجران و پناهندگان به ایران



تابلوی خونین غزه در آینه تورات

می‌گوید که مسیحیت، اسلام و هیومانیسم کوششهایی را در جهت سوهانکاری اندیشه‌های نا تراش و خشن قبیلوی یهود برداشته و سعی ورزیده‌اند تا آن باورها را با مبادی جهانی هم‌نوا سازند. اسرائیل از دیدگاه این نویسنده تهدیدی بزرگ به صلح و امنیت جهانی است او به صراحت گفته است که سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۷ میلادی وقتی که به یک نهاد پراکنده نژادی این فرصت را داد تا دولتی تاسیس نماید، اشتباه کشنده‌ای را مرتکب شد.

آقای «گیلاد اترمون» در پایان مقاله از جانب جهانی می‌خواهد تا این دولت خطرناک را پیش از آن که دیر شود، خلع سلاح نماید، ورنه این نهاد جنگی و مراکز فشار و لابی‌های آن یگانه سیاره قابل زیست ما را به کره جوشان خشونت تبدیل نموده و انفجار خواهد داد.

من در حالی که بی احترامی به ادیان و رهبران بزرگ جوامع بشری را کاری سخت نادرست می‌پندارم ولی باور دارم که برای درک درست از حوادث باید در جستجوی ریشه‌های اندیشه‌ها در بیشه اعتقادات گروه‌های انسانی افتید و این کار نهایت ضروری است.

در اینجا نباید از یاد برد که آنچه در تورات و دیگر متون دینی قبیله بنی اسرائیل آمده است نمی‌توان سخن آفریدگار باشد زیرا نه دلیل مادی محسوس این ادعا را تایید می‌نماید و نه هم منطق و علمی.

«پس وای آن کسان را که می‌نویسند کتاب را به دستهای خود، باز می‌گویند این از طرف خداست» خلاصه سخن، آنچه در غزه و فلسطین گذشت و می‌گذرد با همه مبادی، ارزشها، اصول و پرنسیپها پذیرفته شده جهان معاصر در تعارض است، زیرا اعتقاد به «ملت برگزیده خدا» داشتن، و اندیشه مجازات جمعی را کاری اخلاقی قوم نهادینه ساختن، و یگانه حکومت دموکراتیک و منتخب امروزیان گرفتن، و قضایای خونی سه هزارساله را دوباره گشودن، و ارزشهای قبیلوی را اساس دولت معاصر قراردادن و ... برای هیچ دین و آیین و منطق معاصری قابل پذیرش نیست. پایان

مظاهره به راه انداختند. کشتار وحشیانه غزه سبب گردید تا آقای «گیلاد اترمون» نویسنده و هنرمند بلند آوازه اسرائیلی در مقاله‌ی زیر عنوان «هویت اسرائیل نگاهی از درون» در «تنگ تانگ» فلسطینی‌ها نشر شد، بی‌زاری خویش را هم از دیانت یهود و هم از ملت اسرائیل اعلام نموده و می‌گوید که زیر بناهای دینی دولت

خواهد شد؟

پاسخ را به خواننده‌گان عزیز می‌گذاریم.

اما فطرت سلیم آدمی از دیدن خون و آتش نفرت دارد و از همین رو دیدیم که حوادث اخیر غزه بزموضعگیری برخی از پیروان آیین یهود تاثیر افکند، طوری که در همین آمریکا عده‌ای از یهودی



اسرائیل بر مبنای اندیشه نسل کشی، خشونت و کینه گذاشته شده است. این نویسنده یهودی

ها بی‌زاری خویش را از حکومت صهیونیستی‌شان اعلام نموده و در دفاع از ساکنان بیگناه غزه

به ادامه گذشته حکایت‌های عشقی عهد عتیق هم با خون رقم خورده است، باب هژدهم، کتاب اول سموئیل، عهد عتیق داستان طلبگاری و ازدواج حضرت داود علیه السلام را نقل می‌نماید که راستی هم خواندنی است، قصه از این قرار است که حضرت داود (ع) خواست تا با دختر یکی از پادشاهان اسرائیل که شاول نام می‌خواست ازدواج نماید، بر مبنای آیت بیست و پنجم این باب، پادشاه به داود (ع) خبر می‌دهد که مهر دختر او «قلقه» صد فلسطینی است.

این کتاب مقدس در آیت بیست و هفتم همین باب، داستان طلبگاری و ازدواج را اینطور نقل می‌کند «پس داود برخاست با مردان خود رفت و دوصد نفر از فلسطینیان را کشته داود قلغه‌های ایشان را آورد و آنها را تماما زرد پادشاه گذاشتند تا داماد پادشاه شود قلغه قسمت از پوست انسان است».

شاول دختر خود را بوی داد و شاول دید و همید که خداوند با داود است و میکال دختر شاول او را دوست می‌داشت «در این جا می‌بینیم که پادشاه مهر دختر خویش را از پیامبر بارک صد قلعه (قسمتی از پوست انسان) لیب می‌کند و ایشان هم جای صد قلغه دو صد قلغه انسان فلسطینی را در ظرفی انداخته در پیشگاه آن پادشاه می‌گذارد و از همه جیب تر اینکه پس از این حادثه، آن پادشاه می‌فهمد که خدا با دامادش بوده است، و دختر پادشاه نیز این داماد را دوست می‌دارد حال آن یهودی بیچاره‌ی که در کنار دیوار بری بیت المقدس ایستاده و در حالی که دن خویش را به پیشرو و عقب می‌چیناند، چنین آیه‌هایی را با شیون و ناله ممزوج موده و با سوز و درد می‌خواند، آیا از چنان ردی غیر از آ «شکاری که در غزه شاهد دیدیم، چیز دیگری می‌توان توقع داشت. رسش دیگر اینکه سرنوشت سیاره ما با صد با موشک مجهز به مواد اتمی که امروز در اختیار عناصری از این دست قرار دارد چه

یاسر عرفات رهبر مردم فلسطین با مارک اسرائیلی فقط رهبر ایران باید توهین نشود!؟



وزارت خارجه حق ندارد به لوی سارنوالی و امنیت از خبرنگار شکایت کند؟!

چندی قبل سفارت ایران نامه‌ی بی برای شعبه ایران وزارت خارجه نوشت و در مورد نشریه ما انتقاد و شکایت کرد، اینکه سفارت ما در ایران این حرکت را یاد نگرفته و از منافع افغان ها دفاع نمی‌شود و یک بار هم به اردوگاه‌ها نرفته است تا بداند که در اردوگاه خاک سفید و ورامین و... افغان‌ها چگونه با پیپ‌لت می‌خورند و هر بار برای یک افغان چند بار دشنام خواهر و مادر داده می‌شود گله داریم و مدیریت شعبه ایران حتی یک بار تشویش خود را از مطبوعات و ارگان‌های امنیتی و اطلاعاتی نشان نداده است بحث دیگر است اما گله از این داریم با وجود اینکه ایشان فهم اینرا دارند که شکایت مطبوعات به وزارت ارجاع داده می‌شود و مطبوعات فقط مربوط به وزارت اطلاعات و کلتور است، پس چرا همزمان به امنیت ملی و لوی سارنوالی وزارت مکتوب فرستاده می‌شود و هنوز موضوع معلوم نیست ما را به سارنوالی معرفی می‌کند؟! این مدیریت یا اینکه به گفته اجانب دست به اقدام می‌زنند و یا اینکه ایشان نمی‌دانند صلاحیت شان چیست و از چه کانالی باید وارد شود.

من خواهش می‌کنم که به سفارت افغانستان در ایران دستوردهند که در همه مسائل همچ مکتوب‌هایی برای وزارت خانه‌ها بفرستد و ببینند مکتوب آنها به اندازه یک نخود ارژنه دارد؟!

برهان الدین ربانی و وحدت مجاهدین در انتخابات ریاست جمهوری



برهان الدین ربانی در دیدار با جمعی از مردمان هلمند و قندهار و بدخشان برهشکاری و حفظ وحدت مجاهدین در انتخابات ریاست جمهوری تاکید کرد.

این مطلبی بود که هفته نامه پیام مجاهد ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان ذکرگردیده

بدبخت و بیچاره دیدند.

من هم عضو جمعیت و زمانی که آمرصاحب شهید مبارزه می‌کرد من برایشان بوت و دریشی و پول از کابل به پنجشیر انتقال می‌دادم، و صداقت مجاهدین را در سال دوم تجاوز روس‌ها دیده بودم؟!



قبر مسعود

شان در چه حالتی قرار دارد؟

از این همه گذشته امروز دیروز نیست و مردم می‌دانند در پشت این درامه جهاد کدام کشورها دست داشتند و چرا هر خانه یک کشته و معیوب تقدیم این ملت کرد؟

یقیناً مردم پشتیبان مجاهدین اند و همه مجاهدین را دوست دارند، اما نه مجاهدینی که هنوز هم از آدرس مردم سخنرانی کنند و بگویند ما مجاهدینیم!!

این ملت کسانی که در رویارویی با اشغالگران شهید شده اند و یا فرماندهانی که قدم‌های استوار در راه دین برداشتند را قدر می‌نمایند ولی آرزو داشتند رهبران شان چون خودشان باشند و فرزندان شان چون فرزندان رهبران جهاد ولی تفاوت زیادی است بین فرزند و اساع شهید و فرزند استاد؟! مردم می‌دانند که فرزندان فرزندان مجاهدین اصیل همین امشب نان ندارند ولی بازیگران سیاسی که به نام اسلام تجارت کردند در موترهای آنچنانی سوار می‌شوند!!

آیا خاطرات دوستان ما فراموش می‌شود، آیا وقتی معاش شهید (۳۰۰ افغانی) داده می‌شود نان خشک ایشان را تکمیل می‌کند؟

نخیر این ملت در مقابل شهدای راستین و فرماندهان و سربازان مجاهد که واقعا جهاد را به مفهوم اصلی اش نموده اند، پاس دارند، ولی برای کسانی که مادیات دنیا رسیدند و با خون شهدا بازی کرده اند هیچ گاهی رای نخواهند داد و اگر گفته شود که فلان کاندید مشخص رای بدهید، به فرد مسلمان دیگری که صداقتش ثابت شده باشد رای خواهند داد.

پس از این ملت زمانی توقع داشته باشید که برایشان ثابت کرده بتوانید، کشتار، جنگ، بی تفاوتی در مقابل شهیدان و معلولین و معامله کردن با همه جهان کار درستی بوده است.

در آن زمان مجاهدین و فرماندهان فقط پول شب و روز را داشتند و اکثریت نان خشک و یا شیرروغن با نان جوا می‌خوردند؟!

بلی! واسع شهید در جنگ رویاروی با روس‌ها شهید شد، ولی استاد یک بار هم نزد خانواده شان نرفت و اصلا نمی‌داند واسع شهید کیست؟!

خانواده و فرزندان ایشان در چه وضعی زنده می‌کنند و فرماندهان بزرگی که در جنگ رویاروی نه جنگ خانگی و تنظیم جنگی اشتراک کرده‌اند و جان عزیز شان را نثار این وطن نمودند، فرزندان

بود!!

این در حالی است که به گفته پیام مجاهد مردم این سه ولایت وعده دادند که از کاندید مورد نظر استاد حمایت کنند؟!

اما این را نگفتند که چند در صد جمعیت از این حزب روگردان شده اند و اکنون شرایط طوری است که همه استاد شده اند و میدانند که در مسیری که حرکت کرده اند چه اندازه کج روی بود و چه مشکلاتی را در دوره جهاد این مردم

تمام رهبران مسلمان عرب در زیر اداره آمریکا و اسرائیل اند (دیدگاه ایران و گل آقا)

«ولیعهد عربستان خواستار ادغام ارتش‌های شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس شد.» - جرارد

... ادغام تمام شد؟!
... نه قربان، بقیه به این یکی نمی‌خورند!



ستر محکمه به روزنامه راه

نجات تقدیرنامه بدهد!؟

اند تا هر افغان بداند که محکمه انسانی نیست بلکه محکمه قاطره‌هاست.

استر حیوانیست که نه خر و نه اسب باشد و استر محکمه نیز معنی خود را می‌رساند!؟

حالا باید پرسید که برادران ما در کجا مکتب را خوانده اند اگر در افغانستان خوانده اند ، پس پشتو و فارسی را می‌دانند و اگر در تهران خوانده اند باز هم معنی (استر) را می‌دانند و در هر دو صورت مشکل از نویسنده است و نباید به محکمه توهین شود و این کار اگر برای تنوع صورت می‌گیرد باید باز پرس صورت گیرد و از ایشان پرسیده شود که چرا این کار را می‌کنند .

حالا ما به سترمحکمه پیشنهاد می‌کنیم که یک بار به دفتر ایشان رفته از همه امتحان اصلا بگیرند که معنی هر دو کلمه را بپرسند و ببینند که (ستر) و (استر) چه معنی می‌دهد و شکل نگارش آن چگونه است .

من باور نمی‌کنم که یک وکیل منتخب کشور که تحصیلات عالی دارد و مدارس دینی را نیز به اتمام رسانیده است نداند که ستر و استر چه معنی دارد و هیئت تحریر و نویسندگان که تحلیل‌های سیاسی - اقتصادی و فرهنگی می‌کنند و از آسمان و ریسمان سخن می‌گویند چه وظیفه دارند .

در روزنامه راه نجات در شماره ۱۲۴۱ که معلوم می‌شود بیشتر از هزار روزنامه چاپ کرده است در روز دوشنبه ۱۰ حمل برای چندمین بار قصدا سترمحکمه را استر محکمه می‌نویسد ، با وجود اینکه چندین بار در نشریه ما نوشتیم که کلمه استر و ستر دو معنی متفاوت دارد ، اما نشنیدند و بازهم نوشتن ستر محکمه!؟

این بدو دلیل است یا اینکه کارمندان این نشریه و یک نشریه دیگر که سال چهارم و هفتصد و شصت و یک بار نشریه را به چاپ رسانیده (دوشنبه ۱۷ حمل باز نوشت) در افغانستان درس نخوانده اند و فارغ تحصیل دانشگاه ادبیات تهران هستند و یا اینکه می‌خواهند به ستر محکمه توهین کنند!؟

گرچه نفهمیدن جرم است و یک بار در کشور ایران نیز امیر کبیر را یک صفر کم نوشته بودند و مجازات شدید شدند و این بار این دوستان ما که خود را باسواد می‌گیرند قصدا این کلمه را می‌نویسند!؟

بدو دلیل یکی اینکه ستر محکمه مخالف جریان است و همیشه در فیصله‌ها مصلحت‌های خارجی را در نظر نمی‌گیرد و دوم اینکه دو معنی مختلف دارد و یکی به معنی بزرگ و عالی و دوم به معنی قاطر است که شکل قاطر را انتخاب نموده

شکست آمریکا ...



(بقیه در صفحه پنجم)

ایشان گفتند : ادبیات نقش بسزایی در تربیت دارد و انتقال هنر و ادب برای اولاد و خانواده می‌تواند بالنده گی برای خانواده بیاورد و اگر ما اولاد‌های خود را ملیس به هنر کنیم و ادب را به ایشان بیاموزیم کاربزرگی کرده ایم .

از هر دو پدر و مادر پرسیده شد که چه توفه یی برای ایشان گرفتید :

آنها گفتند به دودلیل تا حالا تهفه نگرفتیم یکی اینکه تهفه یی که دل ماست تا حالا پیدا نکردیم و دوم اینکه باید یک چیز قابل استفاده برای شگوفایی استعداد ایشان نیافتیم و در قدم آخر باید با اقتصاد خانواده سازگار باشد بهر صورت ما در تفاهم با هم یک تهفه خوبی برایشان تهیه خواهیم کرد.

از مینه قهرمان طلایی پرسیده شد که آیا راه سیاست پدر را ادامه رار ؟

ایشان گفتند که فعلا متعلم هستم اما در آینده در نظر دارم حقوق

و علوم سیاسی را بخوانم و راه پدر را ادامه دهم .
در آخر پدر ایشان گفتند :

جنگ‌های سی ساله باعث تباهی کشور شد و ما امیدواریم از میان این همه خاکستر غنچه‌ها سربرآورند و این کشور همیشه سبز بماند .

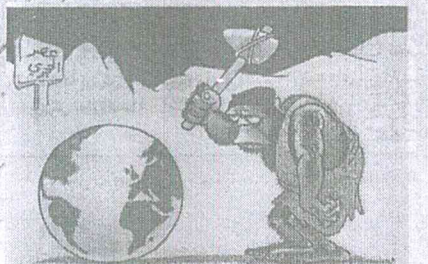
من از صنف ۴ به بعد در بطن جنگ بودم و حتی در صنف پایه‌های میز و چوکی را می‌شکستیم و تفنگ و ماشیندار می‌ساختیم و هر طرف سنگر می‌گرفتیم ولی حالا فرزندان ما با اشتراک در المپیاد‌ها می‌روند و مقام برای کشور ما می‌آورند.

بلی! این بود گفتگویی که با قهرمان طلایی نمودیم و امیدواریم با رویدا و خانواده اش نیز گفتگویی داشته باشیم و خانواده‌ها هر کدام در چهره این قهرمانان طلایی چهره دختران خود را ببینند .

میگویند کشیدن عکس حیوانات بی حرمتی به انسان است!؟ اما توهین به ملت‌ها!؟

«آمریکا برای حمله به کره شمالی نقشه می‌کشد» - جراید

«بدون شرح»





رای به
کسی
دهید
که یک
چهره
داشته
باشد

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سید داود یعقوبی
تحت نظر: هیئت تحریر
صفحه آرایی: سید امید یعقوبی
آدرس: سینما بهارستان - سرک پنجم خانه پنجم دست راست
تلفن: ۰۶۸۶۴۶۰۱۶۸

شکست آمریکا توسط دختران انسان ترک

طبق وعده اینک با خانواده مینه سنجر گفتگویی نمودیم و در صورت امکان با خانواده رویداد نیز مصیبتی خواهیم داشت تا هر شاگرد افغان بتواند مقام اول جهان را برسد و این حرکتی باشد بسوی ترقی و تعالی و رشد و پیشرفت فرزندان این سرزمین و ما بشتر بسوی علم و تکنولوژی به پیش رویم نه ستاره افغان و دانش و رقاصه گری ...



تکنولوژی رتبه اول را بیاورند، در حالیکه کشور ایالات

متحدہ آمریکا مقام دوم را گرفت که بدین صورت مدال طلا نصیب شاگردان دختر (افغان - ترک) و نقره نصیب آمریکا و برونز نصیب هند و پاکستان شد. اینک ما گفتگویی با مینه سنجر و خانواده محترم شان داریم که توجه شما را به آن جلب می کنیم.

از قهرمان طلایی پرسیریم که چه تفاوت های بین مکاتب وزارت معارف و لیسه افغان ترک وجود دارد و شما که هر دو را تجربه کرده اید؟

ایشان با شکسته نفسی خلا های مکاتب ما را برملا نکردند ولی تفاوت های تربیتی (رهبرلیک - اصول اخلاق و دین آموزش داده می شود) مضامین ساینسی پیشرفته و پنج زبان عربی - انگلیسی - ترکی - پشتو - فارسی را یاد آور شدند و فضای مکتب افغان ترک و



تدریس پیشرفته آنرا بارز جلوه دادند.

البته اقتصاد و تکنولوژی را نیز یاد آور شدند که این لیسه را در علوم ارتباطی و کامپیوتر و وسایل نیز با دیگر مکاتب قابل مقایسه نیست.

وقتی از ایشان در مورد محیط لیسه و خانواده و ارتباط این دو باهم پرسیر شد ایشان گفتند:

در مکاتب ابتدایی هفته یک بار والدین به مکتب دعوت می شوند و در لیسه ما اکثرا والدین را جهت تبادل نظر دعوت می کنند و در خانه های شاگردان تشریف می برند تا از خصوصیات روانی خانواده ها، سیستم درس خوانی در خانواده، مشکلات خانواده گی، فضای خانه و

ارتباط و تبادل افکار مکتب و خانواده ها که هر کدام اهمیت بسزایی دارد آگاهی می یابند.

درمورد پروژه علمی شان پرسیر شد که ایشان گفتند:

انگیزه پروژه در صنف نهم برایم پیدا شد و در رقابت های ولایات افغانستان شرکت کردم و این حرکت برایم خیلی زیبا بود و بالاخره پروژه جدید را روی دست گرفتیم و در رقابت های جهانی شرکت کردم و خوشبختانه توانستیم به تمام دنیا این یک نکته را ثابت بسازیم که ما برنده میدان هستیم و افغانستان در همه زمینه ها می تواند پیشتان باشد.

کسانی که از کشورهای مختلف آمدند شما با ایشان دیدواید کردید؟

بلی ما خارج از پروژه با هم دوست بودیم و خیلی باهم صمیمی و ما دوست های خوبی پیدا کردیم.

از ایشان در مورد رقیب اصلی پرسیر شد که ایشان گفتند:

همه بخاطر گرفتن مقام اول تلاش می کردند و ما توانستیم مقام اول را بیاوریم و کشور آمریکا رقیب اصلی بود که مقام دوم را گرفت و در قدم سوم هند و پاکستان بودند.

وقتی از ایشان در مورد هر دو فضا خانواده و مکتب پرسیر شد ایشان گفتند:

هر دو فضا مهم است، فضا پر از مهر و محبت خانه که ما در آن پرورش می یابیم و با خاطر آسوده خود را آماده می کنیم و فضای مکتب که معلمان خوب ما با وجود داشتن امکانات عالی از کشور خود به کشور

ما آمده اند تا دست نوازش بر سر ما کشند و ما را به ترقی و تعالی برسانند و در میدان علم و دانش ما را با لباس علم و دانش مجهز سازند.

پرسیر شد که عزیز ترین معلم شما کی است و کرام معلم را بیشتر از همه دوست دارید؟

ایشان گفتند که نمی توانم بین ایشان تفکیک قایل شوم همه برایم عزیز است، آنها خانواده ها و اولاد های خویش را گذاشته اینجا آمدند تا ما را تعلیم دهند، من همه معلمان خود را دوست دارم و دوست داشتنی هم هستند.

درمورد والدین از ایشان پرسیر شد؟

ایشان گفتند که نصف نقش تعلیمی و تربیتی ما بدستان توانای مادران و پدران است و ایشان همیشه ما را تشویق به درس و تعلیم کرده اند و من از ایشان سپاسگزارم.

البته از والدین می خواهم که بین دختر و پسر نباید فرق بگذارند و از خانواده هایی که دختران خود را نمی گذارند به مکتب بروند می خواهم که بگذارند دختران شان درس بخوانند زیرا "طلب علم برای زن و مرد فرض است"

درمورد مطبوعات، داستان و طنز از ایشان پرسیر شد؟ ایشان گفتند:

که من می نویسم و مقاله من در افغانستان تایمز نیز به چاپ رسیده است و بعد از این نیز اگر وقت داشتم برای مطبوعات می نویسم، مطبوعات را دوست دارم.

از پدر ایشان جناب سنجر پرسیر شد که کی متوجه استعداد دختر شان شدند؟

ایشان گفتند: در سه سالگی مادر ایشان که فارغ تحصیل ادبیات هستند به ایشان درس می دادند و در همین سال آهسته آهسته نوشتن را بلد شدند و من در مزارشریف در زمان طالبان در حالیکه ریش بلند داشتم و ایشان پنج ساله بود که به مکتب بخدی بردم و آمر مکتب خندید و گفت باید به کودکان بروی و من گفتم یک بار از ایشان امتحان بگیرید

وقتی از ایشان امتحان گرفته شد و هر چیزی که گفتند ایشان نوشت حیرت کردند و ایشان را قبول نمودند و من اولین بار دیدم که جرئت و استعداد دارد و آنروز



بسیار خوشحال شدم.

از ایشان نیز در مورد نقش خانواده در تربیت فرزندان پرسیر شد که ایشان چنین توضیح دارند: اگر خانواده نقش خویش را بدانند و با مکتب همکاری خوبی داشته باشد و هر

بی توجهی خانه و مکتب باعث از بین رفتن استعداد ها می شود به همین دلیل باید همکاری جدی بین خانه و مکتب وجود داشته باشد.

از مادر ایشان هاله سنجر پرسیر شد که نقش دو مکتب که خانه دوم است و خانه که

حتی به مادرزن عرفات هم رحم نکردند، ولی کسی نمی پرسد

که مادر زن ولی امر شما با اسرائیل ارتباط دارد یا نه؟

مادرزن عرفات در ۲۰ سال گذشته با مقامات اسرائیل ارتباط نزدیک داشته است. - چرا بد

